

## آیا

# فطرت انسان

## بر اساس خیر آفریده شده است ؟

❁ دو عقیده متضاد

❁ دلائل قانع کننده

❁ مفاد تعلیمات درخشان اسلام

❁ سرچشمه اصلی انحراف

انسان ، در صحنه پرغوغای زندگی ، اعمال گوناگونی انجام میدهد که قسمتی از آنها مفید است و نقش مهمی در صلاح و سعادت فرد یا اجتماع دارد و قسمت دیگری نه تنها صلاح و سعادت او را تأمین نمیکند بلکه موجب بدبختی و نکبت وی میگردد و دارای زیانهای فردی یا اجتماعی میباشد . روانشناسان عصر ما برای پی بردن بریشه و منشأ این اعمال ؛ قدمهایی برداشته و در این زمینه بحث جالبی تحت عنوان «آیا فطرت انسان بر اساس خیر آفریده شده است یا شر» مطرح نموده اند .

### دو عقیده متضاد

گروهی اعمال انحرافی نسل کنونی را مورد نظر قرار داده با استناد آمار و ارقام سرسام آور جرائم و جنایات ؛ دزدی ، رشوه خواری ، بی عفتی ؛ ستم ؛ تقلب ، خیانت ؛ دروغ ، و تولید و مصرف مشروبات الکلی ، میگویند انسان طبعاً شریر آفریده شده است و ذاتاً با انجام اعمال شریرانه متمایل است .

اینهامی گویند انسان هر چند از لحاظ علم و صنعت پیشرفتهای زیادی نموده و بر بسیاری از مشکلات پیروز گردیده است ؛ تاریکیها را با قدرت برق روشن کرده و پیمودن مسافتهای دور و

درازرا آسان ساخته نیروهای حیات را از دل خاک و اعماق دریا بیرون کشیده ، با میکربهای نابودکننده بسیاری از امراض بدفعاغ برخاسته و از این جنگ فاتح برگشته است امواج دریاها رامسخر نموده و در راه تسخیر فضا گامهای برجستهای برداشته و بالاخره از لباسهای فاخرو غذاهای گوارا و مرکبهای مدرن و رهاوار و وسائل دیگر زندگی بیشتر و بهتر بهره مند گردیده است ، **اما بموازت** این پیشرفتهای سریع مادی جرائم و جنایات رو با افزایش میرود بطوریکه هر گاه بهر گوشه ای از اجتماع خود نگاه کنیم و با مطبوعات ممالک دیگر روی زمین آشنا شویم می بینیم هزاران عامل نکبت و بدبختی در مقابل مارزده میروند و از اینجا باین موضوع روانی پی میبریم که « انسان ذاتاً شریاست » و هر قدر وسائل علمی و صنعتی بیشتری در اختیار او قرار گیرد همان راما نند تیغی که بدست زندگی مست بدهند ، در راه شروفساد بکار میبرد .

اینها معتقدند که انسان بدگهر است و

بدگهر را علم و فن آموختن \* دادن تیغ است دست راهزن

بعقیده اینها تمایل انسان بکارهای نیک، عارضی است و بعوامل خارجی نیازمند است تا در پرتو آنها انسان بانجام اعمال نیک قیام و اقدام کند و گرنه بمقتضای فطرتش راه شروفساد را خواهد پیمود .

**عقیده عده دیگر** این است که انسان با سرشت پاک و فطرت متمایل بخیر آفریده شده است و تمایل ببدی و فساد در نتیجه تأثیر عوامل خارجی تحقق مییابد .

### دلایل قانع کننده

دلایل روشن و قانع کننده این عقیده از این قرار است :

۱ -- چنانکه می بینیم انسان از صداقت ؛ عفت ؛ امانت، عدالت، خدمت بنوع و عبادت که خضوع و سپاسگزاری مخصوصی است در برابر منعم حقیقی انسان و آفریدگار جهان ؛ لذت میبرد و بعکس هر گاه جرمی و جنایتی از قبیل دروغ ، ستم ، خیانت ... از وی صادر میگردد در همان حال که این اعمال را انجام میدهد ندای منادی وجدان در گوش او طنین میافکند و او را از ارتکاب جرم ؛ نهی میکند و اگر باین ندای رسا توجه نکرد و مرتکب خلاف گردید بعد از انجام عمل از اعماق دل خود ؛ از باطن خود ندای ملامت و سرزنش میشوند ؛ در زیر فشار توبیخ و ملامت وجدان رنج میبرد و شکنجه می بیند ؛ خود را پیش قاضی وجدان محکوم و شرمسار مییابد .

۲ -- هر گاه داستانهای مردان نیک و با حقیقت، آنانکه دارای صفات عالیه، مانند سخاوت، شجاعت و امانت و امثال آنها بوده اند ، آنانکه از نظر دلسوزی و خیرخواهی گامهای برجستهای برای خدمت و رفاه خلق برداشته اند ، مردم بشنوند ؛ تکان میخورند ؛ اشک شوق میریزند ؛

شیفته آنان میگردند؛ آرزومی کنند مانند آنان باشند؛ لیکن چون کردار های زشت تبه کاران آنانکه در راه شر و فساد کوشیده اند، ستمگرانی که صفحات تاریخ را سیاه و رقت بار نموده اند خونهار یخته؛ و فتنه ها برانگیخته اند گفته میشود، مردم طبعاً متنفر میگردند، از خدای خواهند مانند آنان نباشند.

این احساس محبت نسبت بدسته اول و ابراز تنفر و انزجار از دسته دوم دلیل آنست که اعمال دسته اول با فطرت بشر مطابق است و کارهای دسته دوم با طبع و سرشت انسان مخالف است.

۴ - اگر در نهاد و طبع کودکی که هنوز فطرت او آلوده نشده است و عوامل خارجی در روح وی اثر ننموده است دقیق شویم می بینیم باعمال نیک: راستی؛ امانت، عدالت و توجه عمیق با فریدگار عالم؛ متمایل است و ارتکاب اعمال خلاف را از محیط مجاور خود سر مشق میگیرد. این دلایل روشن، ثابت و مدلل مینماید که آفریدگار جهان فطرت انسان را بر اساس خیر آفریده است و هیچ فردی ذاتاً شریر، خلق نشده است. چنانکه نویسنده کتاب (۱) «انسان موجود ناشناخته» میگوید: «جانی بالفطره که لومبروزو (۲) بدان معتقد است وجود ندارد».

### مفاد تعلیمات درخشان اسلام

این حقیقتی که دانشمندان روانشناس پس از تحقیق و دقت های فراوان بدان دست یافته اند دین مقدس اسلام در طی تعلیمات عالیّه خود بطور روشن آنرا بیان فرموده است؛ اسلام ساختمان فطرت بشر را بر اساس خیر معرفی می کند زیرا کلیه وظائف سعادت بخش بشر را در کلمه ای بنام «دین» خلاصه می کند و دین را بر اساس فطرت و مقتضای سرشت انسان قلمداد مینماید و میگوید: «**فأقم وجهك للدين حنيفاً فطرت الله التي فطر الناس عليها**» (۳) یعنی بدین حنیف روی آور؛ باین فطرت متوجه شو بآن فطرت پاکی که خداوند تمام بشر را با آن فطرت آفریده است»

پیغمبر عالیقدر اسلام فرمودند: «**كل مولود يولد على الفطرة**» (۴) یعنی هر مولودی با فطرت دینی متولد میگردد.

### سرچشمه اصلی انحراف

این همه جنایتهای روزافزون و انحراف از وظائف انسانی که در هر گوشه ای از اجتماع چشم میخورد و آمار و ارقام تأسیری را در قاموس زندگی بشر تشکیل میدهد؛ همه و همه معلول انحراف از فطرت است و این انحراف **اولاً** معلول عدم تربیت مر بیان اجتماع است

(۱) دکتر الکسیس کارل فرانسوی (۲) Lombroso

(۳) آیه ۳۰ سوره روم (۴) سفینه البحار ج ۲

تربیت و مراقبت در درجہ اول و وظیفہ پدران و مادران است آنها باید قبل از هر چیز بمسئولیت عظیم خود توجه کنند و از این فطرت پاک و استعداد سرشار استفادہ نمایند و فرزندان خود را بسرمایہ های ایمانی و سجایای اخلاقی مجهز کنند.

خدمت بزرگ پدران آن نیست کہ برای فرزندان خود ثروت سرشار و مال بسیاری باقی بگذارند ؛ بلکه خدمت بزرگ آن است کہ آنها را از تربیت صحیح ؛ یعنی از ثروت اخلاقی و معنوی برخوردار سازند امام صادق (ع) فرمودند **خیر ماورث الالباء الالباء الادب (۱)** یعنی بهترین یادگاری کہ از پدران برای فرزندان باقی میماند ادب و تربیت صحیح است . در درجہ دوم این مراقبت و وظیفہ اولیاء فرهنگ است کہ متأسفانہ - بسیار متأسفانہ - در مملکت ما باین وظیفہ مقدس چنانکہ باید قیام نمیشود و مادران این مجلہ دینی بارها این مطلب را تذکر داده ایم .

**ثانیاً** معلول محیط است اعمال و اخلاق محیط زندگی در وجود انسان فوق العادہ مؤثر است بلکه تأثیر آن از آغوش مادر و دامن پدر و کانون خانوادگی بر مراتب بیشتر است چنانکہ امیر مؤمنان (ع) فرمودند « **الناس بزما نهم اشبه من آبائهم** » یعنی شباهت مردم بمحیط زمان زندگی خود بیشتر است از شباهتی کہ بپدران خود دارند

نویسنده محقق کتاب « انسان موجود ناشناخته » میگوید : ما در محیط اجتماعی خود مانند سلولها در محیط داخلی بدن غوطه وریم و همچون سلولها نمیتوانیم از نفوذ شرایط محیط درمان بمانیم . کالبد آدمی در برابر دنیای مادی خود را بہتر از « شعور در مقابل محیط روانی » حفظ می کند . زیرا علیہ هجوم عوامل زیان بخش فیزیکی و شیمیائی محیط بحصار پوست و مخاط روده ها مجهز است ولی مرزهای شعوری بر عکس همیشه گشوده اند و وان آدمی در معرض تهاجم دائمی همه قسم عوامل فکری و معنوی محیط اجتماعی خود قرار میگیرد و بر حسب طبیعت آنها سالم یا ناهنجار یار میآید . (۲)

**جای کمال تأسف است کہ محیط زندگی مردم مملکت ما مخصوصاً جوانان ما مساعد فطرت پاک انسانی نیست ، محیط اجتماعی ما آلودہ است و در این محیط آلودہ باہای مخالف چراغ فطرت را خاموش میکند و عوامل روزافزون فساد و انحطاط تما یلات سعادت بخش را لگد کوب مینماید .**

اگر این همه پول و ثروت و وقتی کہ برای تأسیس دستگاههای پابسی و مؤسسات قضائی و

(۱) روضہ کافی

(۲) « انسان موجود ناشناخته » ص ۱۴۳

جزایی کشور صرف شده است تا جنایتکاران را مجازات کنند و از وقوع جنایات بیشتر جلوگیری نمایند ، نصف این هزینه هنگفت را در راه تربیت صحیح و ایجاد محیط مناسب و مساعد صرف مینمودند ؛ لا اقل ۷۰ درصد این جرائم و جنایات از اجتماع بشری رخت بر بسته بود .

برای اینکه مسئولان اجتماع مسئولیت بزرگ خود را بهتر درک کنند لازم است باین گفتار جامع و پر ارزش نبی اکرم (ص) توجه کنند : آگاه باشید که همه شما فرمانروا و نگهبان هستید و درباره فرمانبرداران خود مؤاخذ و مسئولید ؛ زمامداران مملکت فرمانروایان جامعه هستند و نسبت بآن مسئولند مرد که رئیس خانواده است فرمانروای زن و فرزندان خویش است و در برابر آنان مسئول است ؛ زن بر کودکان خود فرمانرواست و در برابر آنها مسئولیت دارد . آگاه باشید همه شما فرمانروا و نگهبان هستید و همه شما در مورد فرمانبرداران خویشتن مؤاخذ و مسئولید . (۱)

(۱) مجموعه ورام

## جوانمردی

حضرت علی بن موسی الرضا (ع) میفرماید :

الفِتْوَةُ اَرْبَعَةٌ : التَّوَاضُّعُ مَعَ الدَّوْلَةِ ، وَالْعَفْوُ مَعَ الْقُدْرَةِ ؛ وَ النِّصِيحَةُ مَعَ الْعِدَاوَةِ ؛ وَالْعَطِيَّةُ بِالْأَمْنَةِ

: جوانمردی در چهار چیز است :

فروتنی و تواضع در حال ثروت

عفو و بخشش در حال قدرت

نصیحت و خیرخواهی در حال عداوت

بخشش بدون منت